

پیرایہ
اسلام
اسلام
اسلام

پیرایہ اسلامی تنظیم
پیرایہ اسلامی تنظیم

مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*

مجید مختاریان پور^۱

چکیده

بررسی آثار و پیامدهای ۵۷ سال برنامه‌ریزی توسعه در کشور ما نشان می‌دهد توسعه به سبک غربی (و تنها با جرح و تعدیل‌های اسلامی) از یک سو نتوانسته همانند کشورهای غربی باعث توسعه کشور شود و از سوی دیگر نیز باعث کم‌رنگ شدن ارزش‌های اسلامی ایرانی شده است. دلیل این امر را باید در اینجا جستجو کرد که مبانی، اقتضائات و مسائل و غایات توسعه با مبانی، اقتضائات و مسائل و غایات جامعه‌ی اسلامی ایران زاویه دارد و این امر ضرورت طراحی الگویی متناسب با جامعه ایران را ایجاب می‌کند. با طرح مبحث «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» از ابتدای دهه‌ی چهارم انقلاب توسط مقام معظم رهبری، طراحی الگوی بدیل توسعه که بتواند کشور را به پیشرفت همراه با معنویت و عدالت برساند همواره موضوع بحث مجامع علمی دغدغه‌مند در این حوزه بوده است. مسلماً دستیابی به این الگو مستلزم طی فرایندی است که باعث شکل‌گیری الگویی مسأله‌محور و در عین حال مبتنی بر مبانی ارزشی اسلامی باشد. در تحقیق حاضر که با روش مطالعه تطبیقی انجام گرفته و در آن از روش‌های مطالعات کتابخانه‌ای و گروه کانونی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است، تلاش شده است الگویی فرایندی جهت طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تدوین گردد. حاصل تحقیق الگویی مشتمل بر ۹ بخش «تدوین بنیان‌های اسلامی پیشرفت»، «زمانه‌شناسی»، «مسأله‌شناسی»، «طراحی نظام حکمرانی، نهادهای لازم و قواعد اساسی برای تحقق پیشرفت اسلامی ایرانی»، «طراحی افق جمهوری اسلامی ایران و نظام اجرا و

* این پژوهش با حمایت مادی و معنوی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت صورت پذیرفته است.

۱. استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

ارزیابی الگو»، «تعریف برنامه‌های میان‌مدت پیشرفت»، «مدیریت تولید علوم بومی (اسلامی - ایرانی)، «گفتمان‌سازی» و «طراحی و پیاده‌سازی الگوی تحول» می‌باشد.
واژه‌های کلیدی: پیشرفت، الگو، اسلامی - ایرانی، مسأله‌محوری، ارزش‌مداری

مقدمه و بیان مسأله

کشور ما از نظر تاریخی چهارمین کشور جهان (پس از آلمان (۱۹۳۳) و فرانسه و ژاپن (۱۹۴۷)) بوده که به برنامه‌ریزی توسعه پرداخته است. (امامی، ۱۳۹۱) در واقع در کشور ما از سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) تا پیروزی انقلاب اسلامی ۵ برنامه توسعه و پس از انقلاب از سال ۱۳۶۸ تا کنون نیز ۵ برنامه دیگر تدوین و اجرا شده است. بدین ترتیب با وجود گذشت بیش از ۵۷ سال برنامه‌ریزی توسعه (بدون احتساب سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸) همچنان موضوع توسعه به عنوان مسأله‌ای چالشی و جاری در کشور ما مورد بحث صاحب‌نظران می‌باشد. همچنین بررسی آثار و پیامدهای توسعه در کشور ما نشان می‌دهد توسعه به سبک غربی (و تنها با جرح و تعدیل‌های اسلامی) از یک سو نتوانسته مانند کشورهای غربی باعث توسعه شود و از سوی دیگر نیز باعث کم‌رنگ شدن ارزش‌های اسلامی ایرانی شده است. دلیل این امر را باید در اینجا جستجو کرد که «مبانی»، «اقتضائات و مسائل» و «غایات» توسعه با مبانی، اقتضائات و مسائل و غایات جامعه‌ی اسلامی ایران زاویه دارد و این امر ضرورت طراحی الگویی متناسب با جامعه ایران را ایجاب می‌کند. با طرح مبحث «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» از ابتدای دهه‌ی چهارم انقلاب از سوی مقام معظم رهبری، مراکز مختلفی همچون مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به امر تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مشغول هستند و هر یک مسیری را در این زمینه در پیش گرفته‌اند. در این مقاله تلاش شده است ضمن یک مطالعه تطبیقی بین فرایندهای مختلفی که برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت توسط محققان مختلف ارائه شده است، فرایندهای تدوین شود که بتواند اولاً برآیند الگوهای مختلف فرایندی در این زمینه باشد و همچنین از یک سو «مبنامحور» بوده و حرکت در مسیر مبانی ارزشی اسلام را مدنظر قرار دهد و از سوی دیگر «مسأله‌محور» بوده و توجه به اقتضائات و مسائل ایران را لحاظ نماید.

مرور ادبیات و پیشینه تحقیق

۱- الگو

لغت نامه دهخدا الگو را به معنی سرمشق، مُقتَدی، اُسوه، قَدوه، مثال و نمونه تعریف می کند. (دهخدا، ۱۳۸۸: ۲۵۵). در واقع الگو را می توان مجموعه ای از قواعد، دکرین، سرمشق ها، راهبردهای کلی، نمونه ها، مدل ها، رویه ها و مواردی شبیه به این دانست که پیش نیاز انجام فعالیت های جزئی و کلی و برای کارهایی که قرار است با برنامه ریزی و در مسیر درست و بهینه حرکت کند و بخواهد به اهداف پیش بینی شده دست یابد. رهبر معظم انقلاب نیز الگو را این گونه تعریف می کنند: «الگو یک وسیله و معیار و میزانی است برای اینکه آن کاری که انسان می خواهد انجام دهد با آن الگو تطبیق داده شود.»^۱ (وکیلی، ۱۳۹۲: ۱۱۳۶-۱۱۲۵) در یک تقسیم بندی کلی دو نوع الگو قابل ارائه می باشد:

الف) الگوی فرایندی: الگوهای فرایندی الگوهای هستند که مراحل فرآیند رسیدن به نتیجه را نشان می دهند. در واقع الگوهای فرایندی کمک می کنند تا به نتیجه برسیم، بدین معنا که اگر گام به گام بر اساس آن الگو پیش رویم، در نهایت به نتیجه مطلوب دست پیدا می کنیم.

ب) الگوی نتیجه ای: این دسته از الگوها در موضوعی مشخص مجموعه نتایج و راهکارهایی را به ما ارائه می دهند که از میان آنها انتخاب صورت می گیرد. به بیان دیگر این الگوها برخلاف الگوهای فرایندی مسیر رسیدن به نتیجه را ترسیم نمی کنند، بلکه نتیجه را بیان می کنند. به طور مثال در سیاست گذاری فرهنگی، فرهنگ مطلوب را به عنوان یک الگوی نتیجه ای ترسیم نموده و برای رسیدن به آن برنامه ریزی می کنیم. (اعرابی، ۱۳۹۲: ۱۳۶-۱۳۲)

در این پژوهش، الگوی مدنظر، یک الگوی فرایندی است که مشتمل بر مراحل بوده و پیاده سازی گام به گام آن منجر به شکل گیری الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می شود.

۲- وجوه اسلامی و ایرانی بودن الگو

رهبر معظم انقلاب در دیدار مورخ ۱۳۹۵/۲/۶ هدف انقلاب اسلامی را «تحقق تمدن اسلامی» خوانده و پس از بیان مراحل پنجگانه تحقق اهداف انقلاب اسلامی ایران (شکل گیری انقلاب اسلامی، شکل گیری نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی، تشکیل جامعه اسلامی و نهایتاً تحقق تمدن اسلامی) در تبیین نسبت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با این فرایند، شکل گیری الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی را لازمه تحقق

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۱/۶/۳۰

«تمدن اسلامی» برمی‌شمرند. (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵). بدین ترتیب لازم است الگوی مطلوب پیشرفت، مبانی و غایات خود را از آموزه‌های اسلامی دریافت کرده و همچنین با توجه به اقتضات، استعدادها و نیازهای جامعه و کشور ایران طراحی شود. در واقع اگر وضعیت موجود و مطلوب و چهارچوب‌ها و اصول حاکم بر الگو بر اساس مبانی و آموزه‌های اسلامی تحلیل و ترسیم و تعریف شود، در این صورت آنچه که به دست می‌آید پیشرفت اسلامی است و اگر این الگو بر شرایط جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و اقلیمی ایران منطبق شود، به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دست خواهیم یافت. (میرمغزی، ۱۳۹۵) مقام معظم رهبری دو وجه اسلامی بودن الگو را به این صورت تبیین می‌نمایند:

ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامی-ایرانی پیدا کنیم. این برای ما حیاتی است. چرا می‌گوییم اسلامی و چرا می‌گوییم ایرانی؟ اسلامی به خاطر اینکه بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار است. (دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵) که لازمه تحقق این موضوع، تحقیقات عمیق اسلامی و ارتباط وثیق و پیوسته با حوزه‌های علمی و فضایی متفکر، آگاه و مسلط بر مبانی فلسفی، کلامی و فقهی است. (دیدار اعضای شورای عالی مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۵/۲/۶)

ایشان همچنین وجه دوم، یعنی ایرانی بودن الگو را بدین صورت بیان می‌دارند:

چرا می‌گوییم ایرانی؟ چون فکر و ابتکار ایرانی، این را به دست آورده؛ اسلام در اختیار ملت‌های دیگر هم بود. این ملت ما بوده است که توانسته است یا می‌تواند این الگو را تهیه و فراهم کند. (دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵) ایران، زمینه‌ی تحقق این الگوست و اگر به فرهنگ، تاریخ، جغرافیا، اقلیم، آداب و سنن و سرمایه‌های انسانی و طبیعی کشور توجه نشود، الگوی پیشرفت، سندی غیرقابل تحقق و بدون استفاده خواهد شد. (دیدار اعضای شورای عالی مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۵/۲/۶)

همچنین ایشان طراحی الگوی بومی ایرانی برای پیشرفت را ضرورتی متمایز از اسلامی بودن آن معرفی می‌کنند:

پیشرفت برای همه‌ی کشورها و همه‌ی جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد. بنابراین یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه‌ی اجزاء آن الگو را در خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما - با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما - الگوی ویژه‌ی خود را دارد؛ باید جستجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم. آن الگو ما را به پیشرفت

خواهد رساند؛ نسخه‌های دیگر به درد ما نمی‌خورد؛ چه نسخه‌ی پیشرفت آمریکائی، چه نسخه‌ی پیشرفت اروپائی از نوع اروپای غربی، چه نسخه‌ی پیشرفت اروپائی از نوع اروپای شمالی - کشورهای اسکاندیناوی، که آنها یک نوع دیگری هستند - هیچ کدام از اینها، برای پیشرفت کشور ما نمی‌تواند مدل مطلوب باشد. ما باید دنبال مدل بومی خودمان بگردیم. هنر ما این خواهد بود که بتوانیم مدل بومی پیشرفت را متناسب با شرایط خودمان پیدا کنیم. (دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷)

۳- پیشرفت

شاید بتوان مناقشه‌برانگیزترین بخش الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را، اصطلاح پیشرفت و تفاوت آن با مفهوم پیشرفت^۱ در پارادایم توسعه دانست.

در پارادایم توسعه، ایده‌ی پیشرفت یکی از پیش فرض‌های نظری تفکر مدرن و به عبارتی «مذهب واقعی تمدن غرب» می‌باشد. (جانسون، ۲۰۰۸) از لحاظ مفهومی سربارو و ویسلر (۲۰۱۶) معتقدند، پیشرفت در نگاه مدرن، مفهومی مبهم بوده و ادبیات آن مستقل از ساختار مشخصی توسعه یافته است. (سربارو و ویسلر، ۲۰۱۶). این واژه در فرهنگ کمبریج، «حرکت به سوی وضعیتی بهبود یافته‌تر یا توسعه یافته‌تر یا موقعیتی جلوتر» (فرهنگ کمبریج، ۲۰۱۷) و در فرهنگ آکسفورد، «توسعه به سوی شرایطی بهبود یافته‌تر یا بالاتر» (فرهنگ آکسفورد، ۲۰۱۷) تعریف شده است. از نظر اصطلاحی نیز جانسون (۲۰۰۸) پیشرفت را فرایندی تجمعی تعریف می‌کند که در آن مرحله‌ی متأخر، همواره مرجح‌تر، بهتر و دارای کیفیتی بالاتر تلقی می‌شود. این فرایند دارای چهار ویژگی خطی بودن، تمرکز، ضروری بودن و برگشت‌ناپذیر بودن می‌باشد. (جانسون، ۲۰۰۸) تا پیش از قرن هفدهم ایده‌ی پیشرفت انسان به هیچ وجه یک ایده‌ی فراگیر نبوده (موتو، ۱۹۸۴) و در واقع در تمدن‌های سنتی، نگاه مبتنی بر تقدم و تأخر و پیشرفت خطی به تاریخ اساساً وجود نداشته است. حتی در تمدن یونان که نسبت به تمدن‌های اساطیری هم عصر خود دارای وجوه دنیاوورانه‌ی بیشتری است، نگاه به تاریخ، مبتنی بر سیر انباشتی ترقی و تکامل خطی، وجود نداشته است. (خندان، ۱۳۸۹) در واقع می‌توان گفت مبنای اعتقاد به پیشرفت در غرب از پیدایش علوم جدید سرچشمه گرفته است و اساساً اندیشه‌ی پیشرفت مداوم و بی‌حد و حصر در صعود مستقیم از یک وضعیت پست‌تر به سوی وضعیتی بالاتر، تا قرن هفدهم برای انسان ناشناخته بود. بدین ترتیب اندیشه‌ی ترقی مستقیم و بی‌وقفه‌ی بشر در طول تاریخ اساساً اندیشه‌ای است که از علم‌زدگی برآمده است. علم‌زدگی و قول به شأن‌خدایی برای علم، یکی از وجوه عام تمدن امروز است و کم و بیش در وجود همه‌ی انسان‌های معاصر - بجز اهل ولایت الهی - نشانه‌هایی از آن وجود دارد. (آوینی، ۱۳۸۶: ۲۳۴-۲۳۳) بر اساس اندیشه مدرن از پیشرفت،

هدف و غایت دانش، مطلوبیت مادی است. (بوری، ۱۹۲۰: ۵۰). در واقع نظرگاه مدرن معتقد است بزرگ‌ترین مشکل بشر در تمام طول تاریخ تمدن‌ها تولید غذا و مبارزه با طبیعت بوده است و به همین علت اعصار زندگی بشر بر کره‌ی زمین را با روند تکامل ابزار تولید انطباق می‌دهد: عصر سنگ، عصر مفرغ، عصر آهن. در این اعتقاد مهم‌ترین خصوصیتی که بشر را از حیوان جدا می‌کند، ابزارسازی اوست. این تفکر، انسان را حیوان ابزارساز تعریف کرده و ورود بشر در عصر تکنولوژی را بزرگ‌ترین واقعه‌ی تاریخ و غایت توسعه‌ی اقتصادی را تمتع هر چه بیشتر از لذایذ دنیایی می‌داند. (آوینی، ۱۳۸۶: ۱۰-۹)

در مقابل دیدگاه مدرن، در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نگاهی چندبعدی به پیشرفت وجود دارد. (هادوی‌نژاد، ۱۳۷۷) تکامل و تعالی تدریجی انسان در معارف اسلامی با آنچه در پیشرفت خطی مدرن مطرح می‌شود، بسیار متفاوت است. پیشرفت در نگاه اسلامی اصالتاً یک اعتلای معنوی است که دارای آثار و برکات دنیایی بسیاری بوده و در واقع اصلاح دنیا از مسیر اصلاح معنوی می‌گذرد.^۱ در این نگاه پیشرفت، هرگز یک سیر خطی مستقیم و بی‌وقفه را در جهت تمتع هر چه بیشتر از حیات دنیایی طی نمی‌کند، (آوینی، ۱۳۸۶: ۲۳۸) بلکه شامل تکامل در تمامی ابعاد مادی و معنوی است. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرماید:

پیشرفت مادی باید در کنار پیشرفت معنوی باشد؛ مقصود، پیشرفت همه‌جانبه است؛ یعنی پیشرفت مادی و پیشرفت معنوی. پیشرفت مادی را هم نفی نمی‌کنیم. یعنی مطلقاً مسئله‌ی معیشت مردم، مسئله‌ی اشتغال مردم، مسئله‌ی پیشرفتهای علمی و فناوری را مطلقاً دست کم نمی‌گیریم. اینها کاملاً مهم است و باید دنبال شود، تا در این زمینه‌ها فقر نباشد، بیکاری نباشد، گرانی و تورم قیمتها نباشد؛ در این تردیدی نیست. اما در کنارش، به این اکتفا نمی‌کنیم، بلکه باید فکر روشن، اعتقاد عمیق، انگیزه‌ی روزافزون و جوشان و اخلاق انسانی و والای اسلامی در کنار اینها گسترش پیدا کند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان علمی و دانشجویان، ۱۳۸۷/۷/۷)

در واقع تعالی، اصالتاً یک اعتلای معنوی است ولی از آنجا که با فطرت انسان و جهان طبیعت سازگار است منجر به آبادی جهان و دستیابی به آسایش و آرامش بشر به طور هم‌زمان می‌شود. این نگاه از آنجا که برای برآوردن و تأمین «تمامی» نیازهای مادی و معنوی انسان به طور «متعادل» برنامه‌ریزی می‌شود لذا در مقایسه با توسعه که در آن تنها برای تأمین نیازهای مادی برنامه‌ریزی می‌شود، می‌تواند کیفیت زندگی بسیار متفاوتی را برای انسان ایجاد کند. (مختاریان پور، ۱۳۹۱)

۱. همانگونه که خداوند می‌فرماید: وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ.

مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه جانبه است. از همه‌ی ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است: پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور - هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم - پیشرفت در ارتقای بهره‌وری، همچنین پیشرفت در قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی، پیشرفت در وحدت و انسجام ملی، پیشرفت در رفاه عمومی، پیشرفت در رشد سیاسی، مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده‌ی ملی؛ در همه‌ی این زمینه‌ها باید پیشرفت بشود. (بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی (ع)، ۱۳۸۸/۱/۱)

بدین ترتیب در یک مقایسه کلی، پیشرفت در دو پارادایم اسلامی و مدرن از لحاظ مبانی، غایت، ابعاد، ویژگی‌ها و نیز چگونگی دستیابی به هدف با یکدیگر متفاوتند و الگوی اسلامی ایرانی اگر چه از تجربیات دیگر کشورها استفاده می‌کند ولی بنای خود را بر مبانی متفاوتی گذاشته و مسیر متفاوتی را برای دستیابی به هدفی عالی تر طی می‌کند.

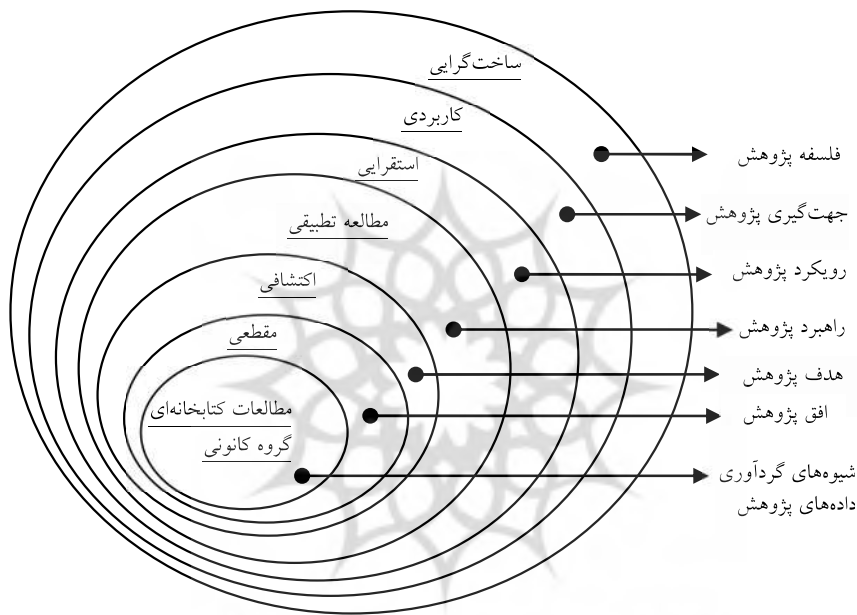
پیشینه تحقیق

در زمینه فرایند طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تاکنون تحقیقات و تألیفات زیادی صورت گرفته است که اهم آن‌ها بدین شرح است. در مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در مجموع سه تلاش برای تعریف الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت انجام شده که دو مورد از آن‌ها توسط تیمی از دانشگاه علم و صنعت (۱۳۹۳) که با این مرکز همکاری نزدیکی دارند و قلی‌پور (۱۳۹۳) تعریف شده و نهایتاً پیش‌نویس الگوی پایه پیشرفت توسط شورای عالی مرکز (۱۳۹۳) تدوین گردید. همچنین نوبخت (۱۳۸۹) در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، الگوی مطلوب توسعه ایرانی اسلامی را ارائه نموده است که به نوعی می‌توان آن را دیدگاه بخشی از بدنه اجرایی دولت در زمینه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دانست. شورای راهبردی پیشرفت اسلامی نیز در سال ۱۳۹۰ سندی تحت عنوان نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی - مرحله پیدایش را منتشر نموده است. علاوه بر موارد فوق که به نوعی الگوهای ارائه شده از طرف سازمان‌های ایرانی دخیل در امر تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تلقی می‌شوند، محققان دیگری از جمله میرمعزی (۱۳۸۹)، پیروزمند (۱۳۸۹)، نادری فارسانی (۱۳۸۹)، رشاد (۱۳۹۱)، ذوعلم (۱۳۹۱)، مختاریان‌پور (۱۳۹۱)، و کیلی (۱۳۹۱) در قالب سه مقاله مجزا، شیخی (۱۳۹۱)، فاتح‌راد و همکاران (۱۳۹۱)، بانسی (۱۳۹۱)، و کیلی (۱۳۹۲) و میرباقری (۱۳۹۲) نیز فرایندهایی را برای طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ارائه داده‌اند.^۱

۱. حجم بالای مؤلفه‌های الگوهای فوق‌الذکر امکان تشریح آن‌ها را در پیشینه تحقیق سلب می‌کند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر بر اساس پیاز پژوهش (ساندرز، لويس و ثورنهييل، ۲۰۰۹: ۱۰۸؛ دانايي فرد، الواني، و آذر، ۱۳۹۱: ۴) در لايه‌هاي مختلف به شرح زير انجام گرفته است:



شکل ۱. لایه‌های مختلف پژوهش حاضر بر اساس پیاز پژوهش

در این تحقیق که به صورت کیفی انجام گرفته است، از روش تحقیق مطالعه تطبیقی استفاده شده است. مطالعه تطبیقی عبارت است از نوعی روش بررسی که پدیده‌ها را در کنار هم می‌نهد و به منظور یافتن نقاط افتراق و تشابه آنها را تجزیه و تحلیل می‌کند. (حاج‌محمدی، ۱۳۹۰)

همچنین گردآوری داده‌های تحقیق حاضر از طریق دو روش زیر صورت پذیرفت:

الف) مطالعات کتابخانه‌ای: به منظور گردآوری فرایندهایی که توسط دیگر محققان ارائه شده است، در این تحقیق، اطلاعات موجود در شبکه اینترنت و کتب و نیز مقالات کنفرانسهای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و کنگره‌های پیشگامان پیشرفت بررسی گردید.

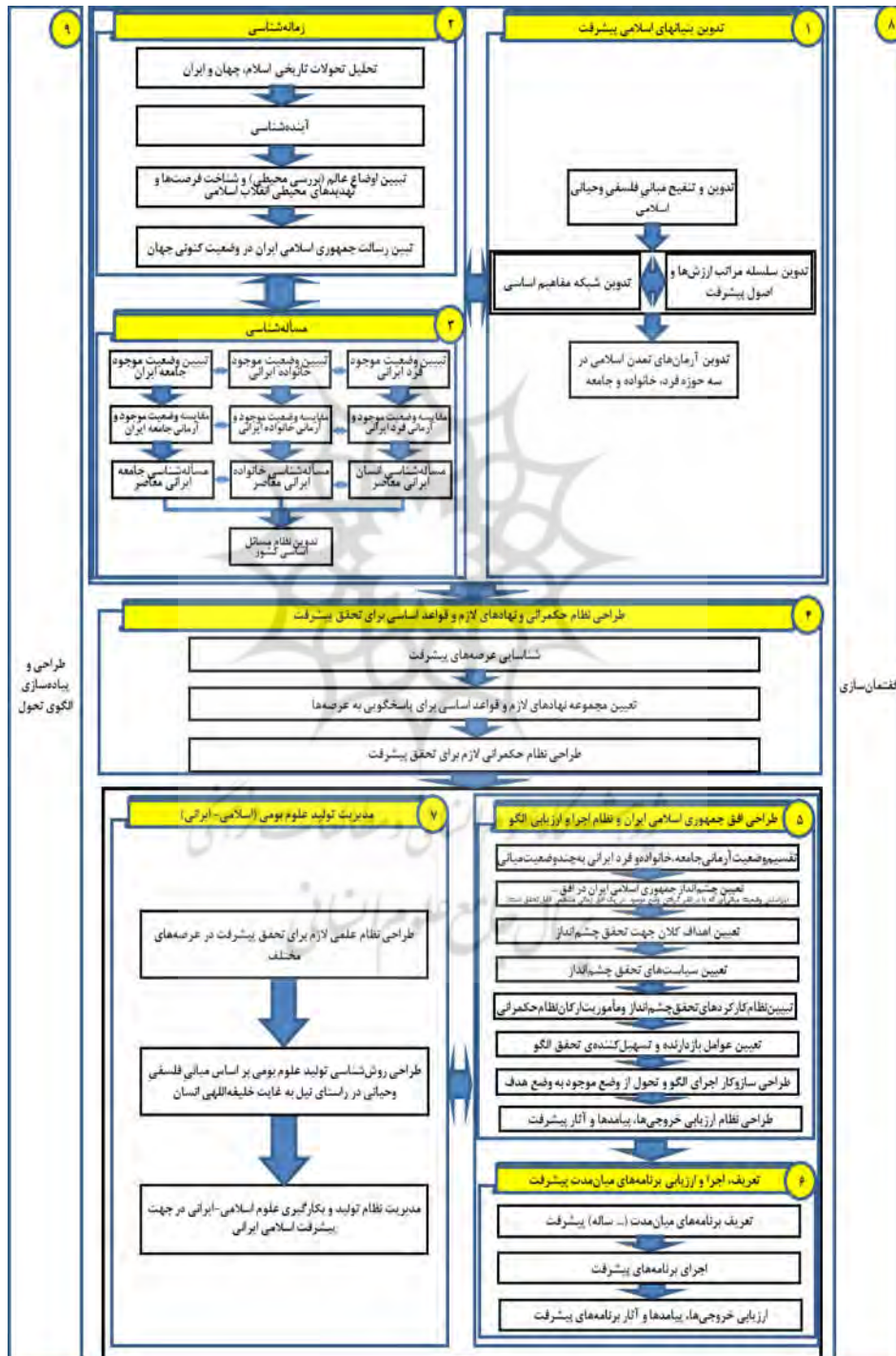
ب) گروه کانونی: بخشی دیگر از فرایند طراحی مدل نیز از طریق مباحثات خبرگی (گروه کانونی) به انجام رسید. گروه کانونی، روشی از مصاحبه گروهی، متشکل از جمعی از خبرگان است که تحت راهنمایی و مدیریت پژوهش‌گر تشکیل می‌شود و در جهت بحث گروهی متمرکز، در مورد موضوع یا موضوعات خاص، هدایت می‌شود. (ال برک، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۱)

از جنبه نمونه‌گیری نیز در این تحقیق از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است، تدلی و یو (۲۰۰۷) نمونه‌گیری هدفمند را شامل «انتخاب واحدها یا موارد بر مبنای یک هدف خاص» تعریف می‌کنند. (تدلی و یو، ۲۰۰۷)

بدین ترتیب در این تحقیق به منظور تدوین مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ابتدا بررسی‌های گسترده‌ای در ادبیات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و به ویژه سخنرانی‌های ایراد شده و مقالات نگارش شده پیرامون الگو صورت پذیرفت که حاصل این بررسی‌ها شناسایی ۱۹ فرایند مختلف برای طراحی الگو از وجوه مختلف بود. پس از گردآوری الگوهای فوق‌الذکر، طی مطالعه‌ی تطبیقی بین این الگوها، مدل فرایندی اولیه‌ای طراحی شد که تا حد امکان برآیند مؤلفه‌های تمامی مدل‌های نوزده‌گانه در آن لحاظ گردید. پس از طراحی مدل فرایندی اولیه، جلسه گروه کانونی مبسوطی با حضور ۵ تن از خبرگان برگزیده در محل مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تشکیل گردید و مدل طراحی شده در آن مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در نهایت با اصلاحات صورت گرفته در این جلسه طولانی، مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تدوین گردید.

یافته‌های تحقیق

حاصل تحقیق حاضر، مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌باشد که مشتمل بر ۹ بخش می‌باشد به شرح شکل ۲ می‌باشد. بر اساس این مدل از یک سو بنیان‌های اسلامی پیشرفت تدوین می‌شود که وجهی ذهنی و زیربنایی دارد (بخش ۱) و از سوی دیگر نیز با زمانه‌شناسی (بخش ۲) و مسأله‌شناسی (بخش ۳)، وضعیت عینی و واقعی جهان، منطقه و به ویژه کشور ایران مشخص می‌شود. پس از تعیین بنیان‌های نظری و واقعی الگو، بایستی نظام حکمرانی، نهادهای لازم و قواعد اساسی برای تحقق پیشرفت در عرصه‌های مختلف طراحی و راه‌اندازی شود. (بخش ۴) با در اختیار داشتن بنیان‌ها و نهادهای لازم در مرحله بعد بایستی افق جمهوری اسلامی ایران برای پیشرفت مشخص شده و نظام اجرا و ارزیابی الگو طراحی گردد (بخش ۵) و جهت دستیابی به اهداف تعریف شده در این افق، برنامه‌های میان‌مدت پیشرفت، به عنوان جایگزین برنامه‌های توسعه موجود، تدوین، اجرا و ارزیابی می‌گردد. (بخش ۶) به طور موازی و به منظور حرکت درست در مسیر آرمان‌ها، بایستی و در ادامه، نهادهای مختلف علمی و اجرایی در جهت پاسخگویی به نیازها و حل مسائل جامعه، مبتنی بر مبانی دینی به تولید و بکارگیری علوم اسلامی ایرانی می‌پردازند. (بخش ۷) به طور موازی با طراحی الگو لازم است دو امر گفتمان‌سازی (بخش ۸) و طراحی اجرای الگوی مدیریت تحول (بخش ۹) نیز صورت پذیرد. در گفتمان‌سازی بستر فرهنگی لازم برای پذیرش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت توسط نخبگان، مدیران و عامه مردم فراهم شده و در الگوی مدیریت تحول نیز چگونگی حرکت و عزم به سوی پیشرفت طرح ریزی می‌شود.



شکل ۲. مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۱- تدوین بنیانهای اسلامی پیشرفت

به منظور طراحی الگویی که از اساس اسلامی باشد، بایستی ابتدا مبانی فلسفی و حیانی آن تدوین شده و پیراسته از عناصر غیر اسلامی گردد. آنچه معمولاً در باب مبانی فلسفی مطرح می‌شود، شامل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، روش‌شناسی و ... می‌شود، اما صفت «و حیانی» طرح شده در ادامه‌ی «مبانی فلسفی» بدان جهت است که این مبانی ریشه در وحی دارد و حتی فلسفه‌ی آن نیز از آبخشور وحی ارتزاق می‌کند:

باید توجه داشت که منبع بالادستی مبانی توسعه، به فلسفه منتهی نشود. البته طراحی الگوی پیشرفت مبتنی بر فلسفه‌های مضاف و از جمله فلسفه اسلامی مضاف یک گام رو به پیش محسوب می‌شود؛ حتی پرداختن به ادبیات توسعه با رویکرد تهذیبی و تهذیب گزاره‌ای نظریات توسعه نیز یک گام رو به پیش است. اما این دو رویکرد کافی نیستند. نباید توقع داشت که فلسفه اسلامی موجود، به سؤالات اساسی در زمینه الگوی توسعه پاسخ دهد؛ گرچه باید اذعان کرد محتوای فلسفه اسلامی و غایات آن به شدت تحت تأثیر فرهنگ اسلام و غایات مذهب بوده است اما از نظر روش، نسبت به دین لابشرط است؛ این روش لابشرطی، گرچه در گام اول برای گفت‌وگو و مناظره با منکران وحی مؤثر است، اما برای دستیابی به معرفت‌های کلی و مضاف کفایت نمی‌کند.

بنابراین اگر فلسفه موجود منبع نهایی دستیابی به مبانی قرار گرفته و فرآوری گردد، الگوی حاکم بر الگوی توسعه یک الگوی فلسفی خواهد شد و نه یک الگوی دینی؛ بنابراین منبع باید وحی باشد. (میرباقری، ۱۳۹۲: ۱۳۳-۱۳۲)

پس از تدوین و تنقیح مبانی اساسی اسلامی، لازم است این مبانی برای نزدیک شدن به عرصه‌ی زندگی، در قالب ارزش‌ها و اصول پیشرفت، که برآمده از آن مبانی بوده و در واقع ترجمان آنها می‌باشند، درآیند تا بتوان در طراحی الگو و اجرای آن از آنها استفاده کرد. در اینجا بایستی به این نکته توجه شود که ارزشها و اصول همگی در یک سطح نبوده و دارای سطوحی می‌باشند لذا لازم است ارزشها و اصول به صورتی منطقی و سلسله مراتبی تدوین شوند.

در تعامل با تدوین سلسله مراتب ارزشها و اصول پیشرفت و براساس آنها، شبکه مفاهیم اساسی پیشرفت اسلامی ایرانی طراحی می‌شود. توضیح آنکه وقتی به الگوی توسعه و فلسفه زیربنایی آن یعنی مدرنیته می‌نگریم، در آن شبکه‌ای از مفاهیم مانند خدا، انسان، طبیعت، جامعه و سازمان، رقابت، بازار، سود، لذت و ... را با معانی خاص خود که براساس تفکر مدرن تعریف شده می‌بینیم. حال برای آنکه بتوان پیشرفت را نیز در قالب نظریه‌های علمی که راهنمای عمل مجریان می‌شوند، طرح نمود بایستی شبکه مفاهیم خاص آن براساس مبانی دینی و به ویژه قرآن کریم تعریف شود. نتیجه تعریف شبکه مفاهیم اساسی، شکل‌گیری

منظومه ذهنی و مفهومی جدیدی با مبانی اسلامی در مقابل تفکر مدرن زیربنای توسعه خواهد بود که نگاه ما را به دنیا تغییر خواهد داد و جهان مفهوم متفاوتی نسبت به آنچه اکنون در حال تفکر در آن هستیم را ترسیم خواهد کرد.

پس از تعریف سه بخش فوق الذکر، لازم است بر مبنای آنها، آرمانهای تمدن اسلامی تعریف شود. این آرمانها بایستی در سه رده فرد، خانواده و جامعه تدوین گردد چرا که ما برای طراحی الگویی معتبر برای پیشرفت بایستی هم تصویر انسان آرمانی را در تفکر اسلامی ترسیم کنیم، هم تصویر آرمانها در حوزه خانواده به عنوان نهاد اساسی و استحکام بخش در تمدن اسلامی را در اختیار داشته و هم آرمانهای جامعه به عنوان یک کل را ترسیم نماییم.

۲- زمانه شناسی

آنچه حاصل بخش اول است، بنیانهای نظری پیشرفت از منظر اسلام می باشد. اما برای آنکه پیشرفت نسبت وثیقی با دنیای واقعی پیدا کند بایستی این دنیای واقعی به خوبی ترسیم شده و دنیای «انتزاعی»^۱ و «انضمامی»^۲ در کنار هم برای طراحی الگو مورد تحلیل قرار گیرند. بدین منظور نیازمند زمانه شناسی و مسأله شناسی (بخش حاضر و بخش بعدی) هستیم.

به منظور شناخت زمانه ابتدا بایستی تحولات تاریخی اسلام از ۱۴ قرن پیش، تاریخ جهان طی دوران پیش از رنسانس و پس از رنسانس و بویژه تحولات جهان طی عهد مدرن و نیز تحولات تاریخی ایران بویژه طی سده های اخیر بررسی شود.

آنچه در تحلیل تحولات تاریخی جهان بایستی توجه ویژه به آن شود، آن است که جهان طی ۵۰۰ سال گذشته (پس از رنسانس) دچار تحولات بزرگی شده و نگاه مدرن (که اساس توسعه را تشکیل

1. Abstract

2. Concrete

۳. «انضمامی» به معنی امر پیوسته، گرد هم آمده و چسبنده، در برابر انتزاعی به معنای امر جدا شده، گسسته و مجرد به کار می رود. امور انتزاعی فرازمانی و فرامکانی هستند. مثل اعداد یا موجودات مجرد؛ اما امور انضمامی، اموری زمانی و مکانی هستند که خود بر سه دسته اند: یا عینی اند (objective)، یا در مکان و زمانی خارج از ذهن بشر وجود دارند، مثل درخت و ماشین و... یا مکان و زمانشان در ذهن بشر است (subjective) مثل احساسات یک فرد و دسته سوم نیز ترکیبی از این دو هستند، یعنی وجود و عدمشان وابسته به هر دو طرف است، مثل صدا و کلاً اموری که در مبحث معرفت شناسی فلسفه تحت عنوان کیفیات ثانویه اشیاء شناخته می شوند. «انضمامی» همچنین به معنای امر مشخص، فردی، جزئی و تکین به کار می رود، در برابر انتزاعی به معنای کلی و نامشخص. (آزموده، ۱۳۹۱)

می‌دهد) طی این قرون بوجود آمده و گسترش یافته است، لذا در این مرحله بایستی به تحولات تاریخی جهان مدرن و واکاوی میراث توسعه توجه جدی شود.

همچنین در بررسی تحولات تاریخی ایران نیز بایستی به نحوه مواجهه ایران با مدرنیته و چگونگی ورود این نگاه به ایران توجه شده و بویژه تحولات ایران طی حدود ۷۰ سال گذشته که برنامه‌های توسعه در کشور تدوین و اجرا شده است (از ۱۳۲۷ تا کنون) توجه شده و ضمن آسیب‌شناسی اسناد برنامه‌ای کشور از منظر چگونگی تدوین و الگوی پارادایمی پس آنها، تأثیرات این برنامه‌ها بر وضعیت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور طی این سالیان واکاوی گردد.

پس از شناخت تحولات تاریخی، بایستی آینده و سناریوهای محتمل برای وضعیت آینده شناسایی و ترسیم شود، سپس اوضاع کنونی عالم بررسی شده و فرصتها و تهدیدهای محیطی انقلاب اسلامی احصاء شود.

سرانجام براساس تحلیلهای انجام شده در این مرحله، رسالت جمهوری اسلامی ایران جهت نقش آفرینی موثر در وضعیت کنونی جهان و ساختن آینده تعیین و تبیین می‌شود.

۳- مسأله‌شناسی

الگویی که بتواند وضعیت کنونی جامعه را به سمت آرمانها ارتقاء دهد، بایستی به خوبی مسائل را رصد و برای حل آنها سیاست‌هایی را پیش‌بینی نماید. بدین منظور در گام سوم، بایستی وضعیت موجود فرد ایرانی، خانواده ایرانی و جامعه ایرانی تبیین شده و سپس با مقایسه این وضعیت با آرمانهایی که در بخش اول تعیین شد، مسائل این سه حوزه استخراج و بدین ترتیب نظام مسائل اساسی کشور که در آن مسائل اولاً در سه سطح فرد، خانواده و جامعه دیده شده و ثانیاً این مسائل در یک مجموعه نظام‌مند و دارای روابط چندوجهی تعریف شده اند، تدوین می‌گردد.

درواقع با بررسی و تبیین وضعیت موجود فرد، خانواده و جامعه ایران در پرتوی تحلیل‌های تاریخی و آینده‌پژوهانه گام قبل، ظرفیت و قابلیت‌ها و سرمایه‌های ماندگار ملی و نیز خلأها و نقاط آسیب‌پذیر کشور مشخص می‌شود که در برنامه‌های پیشرفت باید به آنها توجه جدی نمود.

مجموعه بخش‌های دوم و سوم (زمانه‌شناسی و مسأله‌شناسی) در تعامل با هم، بنیانهای واقع‌گرایانه و بخش اول پایه‌ای آرمانی الگو را تشکیل داده و جهت‌گیری الگو و برنامه‌های پیشرفت منتج از آن را تعیین می‌کنند.

۴- طراحی نظام حکمرانی، نهادهای لازم و قواعد اساسی برای تحقق چشم‌انداز

با مشخص شدن بنیادهای نظری و عملی الگو، در بخش چهارم عرصه‌های پیشرفت با نگاه به آرمانها و واقعیات گذشته، حال و آینده تعیین شده و مجموعه نهادهایی که بایستی برای پیشرفت در این عرصه‌ها به فعالیت بپردازند تعیین می‌گردند. در اینجا برخی نهادها نیاز به بازآفرینی یا تقویت داشته و برخی باید ایجاد شوند. البته منظور از نهاد در اینجا هم معنای سخت و عینی آن مانند نهاد ریاست جمهوری، نخست وزیری، مجلس و هم معنای نرم و ذهنی آن یعنی قواعد بازی و قراردادهای اجتماعی می‌باشد.

سرانجام نیز براساس آنچه در بخش قبل تعریف شده، نظام حکمرانی‌ای که می‌تواند ما را به سوی تحقق پیشرفت اسلامی هدایت نماید، طراحی و اجرا می‌گردد. در حال حاضر نظام حکمرانی کشور ما به نحوی است که بدلیل تغییرات زود هنگام در دولتها و عوض شدن زود هنگام دولتها که متعاقب آن اولویتها را نیز تغییر می‌دهد، انجام امور بلندمدت و تمدنی عملاً امکان‌پذیر نیست و ثانیاً برنامه‌های توسعه ۵ ساله با دوره‌های تصدی دولتها منطبق نبوده و مجموعه این عوامل باعث گردیده نظام حکمرانی ما به یک نظام کوتاه مدت تبدیل شده و تحولات بنیادین و تمدنی در آن عملاً به فراموشی سپرده شود. بدین ترتیب لازم است نظام حکمرانی مطلوب برای پیشرفت طراحی و اعمال گردد.

۵- طراحی افق جمهوری اسلامی ایران و نظام اجرا و ارزیابی الگو

در این مرحله الگو وارد مرحله عملیاتی شدن گردیده و بایستی در یک بازه زمانی مشخص اهداف آن به میزانی که مقدور است محقق شود. بدین منظور در این مرحله ابتدا وضعیت آرمانی تعیین شده در مرحله اول در سه ساحت فرد، خانواده و جامعه به چند وضعیت میانی تقسیم (شکسته) شده و نزدیکترین وضعیت میانی که با در نظر گرفتن مقدمات، مسائل، ظرفیتهای، محدودیتهای، تهدیدها و فرصتها امکان دستیابی به آن در یک افق زمانی مشخص وجود دارد به عنوان چشم‌انداز تعیین شده و اولویتهای و اهداف کلان براساس آن تعیین می‌شود. سپس سیاستهای تحقق چشم‌انداز تعیین می‌گردد. در مرحله بعدی مشخص می‌شود تحقق چشم‌انداز مستلزم تحقق چه کاربردهایی در کشور است و بدین ترتیب نظام کاربردهایی که در کنار یکدیگر منجر به تحقق چشم‌انداز می‌شوند مشخص و مأموریت ارکان نظام حکمرانی و نهادهای مختلف در قبال هر یک از کاربردها مشخص می‌شود.

در مرحله بعدی بایستی با تعیین عوامل بازدارنده و تسهیل‌کننده تحقق الگو، سازوکار اجرای الگو نیز سازوکار ارزیابی خروجی‌ها، پیامدها و آثار پیشرفت طراحی و پیاده‌سازی گردد.

۶- تعریف، اجرا و ارزیابی برنامه‌های میان‌مدت پیشرفت

پس از طراحی افق بایستی وارد تعریف برنامه‌های میان‌مدت پیشرفت (به عنوان جایگزین برنامه‌های موسسه کنونی) و اجرای این برنامه‌ها و ارزیابی خروجی‌ها، پیامدها و آثار حاصل از آنها شویم. در واقع در این مرحله نمره طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در برنامه عملی سازمانها و نهادهای مختلف در قالب برنامه‌های پیشرفت به بار می‌نشیند و همانگونه که امروز برنامه‌های توسعه مبنای عمل و بودجه‌ریزی و ... در سازمانهای کشور است، در آینده برنامه‌های پیشرفت این نقش را ایفا می‌کنند.

۷- مدیریت تولید علوم بومی (اسلامی- ایرانی)

نهایتاً نیز مرحله نهایی که به صورت موازی متعامل با مراحل ۵ و ۶ انجام می‌شود نظام عملی‌ای که می‌تواند منجر به تحقق پیشرفت در عرصه‌های مختلف شود طراحی شده و روش‌شناسی‌ای که پس از انجام دوگانه فوق نظام تولید و بکارگیری علوم اسلامی ایرانی در جهت پیشرفت مدیریت شده و با تولید این علوم و بکارگیری آنها در حل مسائل جامعه و حرکت به سوی آرمانهای پیشرفت دانش بنیان اتفاق می‌افتد.

۸- گفتمان‌سازی

با توجه به آنکه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پس از بیش از ۶ دهه بکارگیری الگوی توسعه در کشور، در حال مطرح شدن است و جامعه‌ی علمی، مدیران و نیز عموم مردم از طرق مختلف با الگوی توسعه و مفروضات آن انس پیدا کرده‌اند، لذا مقاومت‌های زیادی در مقابل الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از طرف نخبگان، مدیران و مردم به وجود خواهد آمد. به همین دلیل لازم است از طریق گفتمان‌سازی، از همان ابتدا، مفهوم جدید جایگزین توسعه و مفروضات آن برای جامعه تفهیم شده و ضرورت‌های پرداختن به آن برای کشور ما و نیز برتری‌های آن نسبت به الگوی توسعه تشریح گردد. به طوری که هم در مرحله‌ی طراحی الگو همکاری‌های لازم از طرف جامعه با مراکز متولی این امر صورت پذیرد و هم پس از طراحی، همراهی لازم از طرف جامعه و پذیرش لازم برای بکارگیری آن در سطح سازمان‌ها وجود داشته باشد.

۹- طراحی و اجرای الگوی مدیریت تحول

به منظور عزیمت از وضع موجود به وضع مطلوبی که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تصویر می‌کند، لازم است فرایند تحولی در جامعه صورت پذیرد. جهت حرکت اثربخش‌تر در این مسیر تحول، ما نیازمند

الگوی هستیم که این تحول را مدیریت نموده و حرکت سنجیده‌تر و سریع‌تری را در جهت پذیرش و بکارگیری الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در کشور رقم بزنند. به همین دلیل در کنار طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بایستی الگوی مدیریت تحول طراحی و اجرا گردد تا شاهد به بار نشستن نتایج الگو در سطح جامعه و سازمان‌ها باشیم.

۲۵

دو هنر علمی پژوهشی مطالعات

الگوی پیشرفت

اسلامی ایران

مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

مجید مختاریان پور



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف ارائه مدلی فرایندی جهت طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت صورت پذیرفت و طی آن تلاش شد با بهره‌گیری از منابع مکتوب و غیرمکتوب و تطبیق مدل‌هایی که توسط صاحب‌نظران مختلف پیرامون طراحی الگو ارائه شده است و سپس به چالش کشیدن مدل طراحی شده در جمع خبرگان، فرایندی منطقی و منسجم به منظور طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه گردد. این الگو در ۹ بخش شامل تدوین بنیانهای اسلامی پیشرفت، زمانه‌شناسی، مسأله‌شناسی، طراحی نظام حکمرانی، نهادهای لازم و قواعد اساسی برای تحقق چشم‌انداز، طراحی افق جمهوری اسلامی ایران و نظام اجرا و ارزیابی الگو، تعریف، اجرا و ارزیابی برنامه‌های میان‌مدت پیشرفت، مدیریت تولید علوم بومی (اسلامی-ایرانی)، گفتمان‌سازی و نهایتاً طراحی و اجرای الگوی مدیریت تحول طراحی شده است که طی این مقاله تشریح شدند.

در مدل ارائه شده، تلاش شد تا از تمامی آثار تولید شده در زمینه فرایند طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت استفاده شود و به نوعی می‌توان این مدل را حاصل جمع نظرات اندیشمندان مختلف صاحب‌نظر در زمینه طراحی الگو نامید. البته به دلیل آنکه علیرغم وجود تجربیات ارزشمند در حوزه تدوین اسناد و برنامه‌های توسعه‌ای در کشور، تاکنون مطالعاتی با عمق و وسعت طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در کشور انجام نگرفته بوده است، مدل‌ها و فرایندهای موجود در منابع مورد استفاده همگی در سطح طراحی بوده و تاکنون در عمل پیاده نشده و بازخورهای آن‌ها در صحنه اجرا گرفته نشده است. ناگفته پیداست که مدل ارائه شده در این تحقیق نیز همچنان نیازمند نقد و نظر صاحب‌نظران می‌باشد و مسلماً این نقدها می‌تواند منجر به طراحی الگویی بسیار کامل‌تر از آنچه ارائه شده است، گردد.

به نظر می‌رسد با توجه به سرمایه‌ی نخبگانی به وجود آمده در کشور، امکان اجرایی شدن این مدل به طور کامل وجود دارد. بدین منظور لازم است تلاش‌های مراکز متولی مطالعات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به نحوی سامان یابد که مراحل گفته شده به ترتیب، مبتنی بر مطالعات و هم‌اندیشی‌های لازم طی شده و بدین ترتیب بتوانیم شاهد تحولی واقعی و عینی در عرصه‌ی تحقیقات پیشرفت جمهوری اسلامی ایران باشیم. به موازات مراحل اول تا هفتم نیز لازم است با گفتمان‌سازی، تغییرات برنامه‌ریزی شده به مرور در بدنه‌ی اجرایی و علمی کشور نهادینه گردد و با پیاده‌سازی الگوی تحول، نمودهای عینی آن به درستی و با اتقان لازم در عرصه مدیریتی کشور جاری گردد.

منابع

- اعرابی، سید محمد (۱۳۹۲)، «الگوهای فرایندی و نتیجه‌ای در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، گفتارهایی در مبانی، مفاهیم و روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت». معاونت برنامه‌ریزی امور تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، چاپ اول، جلد اول، صص ۱۲۹-۱۳۸.
- ال. برگ، بروس (۱۳۸۹)، گروه‌های کانونی. ترجمه پروانه سپرده، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- امامی، سیدمجتبی (۱۳۹۱)، «چیستی الگو در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت: طرح‌واره‌ای از منظر خط‌مشی‌گذاری عمومی»، سلسله‌نشست‌های تخصصی طراحی نقشه راه در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: دانشگاه امام صادق.
- آزموده، محسن (۱۳۹۱)، «انضمامی فکر کن». اعتماد، ۲۳۶۷، ۱۰، بازیابی از: www.magiran.com
- آوینی، سید مرتضی (۱۳۸۶)، توسعه و مبانی تمدن غرب. تهران: انتشارات ساقی.
- بانسی، عباداله (۱۳۹۱)، «فلسفه حرکت و تأملی بر روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، مجموعه مقالات اولین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: نقشه راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۴۵۶-۴۴۱.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، khamenei.ir
- پیروزمند، علیرضا (۱۳۸۹)، «مراحل دستیابی و به‌کارگیری الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی»، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی. تهران: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، صص ۱۴۰-۱۳۵.
- حاج‌محمدی، محسن (۱۳۹۰)، «مطالعات تطبیقی». بازیابی از mhajmohammadi1354.blogfa.com
- خندان، محمد (۱۳۸۹)، «مروری بر اندیشه‌های پیشرفت و تلقی در مقایسه با عقیده مهدویت»، سوره اندیشه. ۹(۱)، پیاپی ۴۶، صص ۲۸۸-۲۸۶.
- دانایی‌فرد، حسن و الوانی، سیدمهدی و آذر، عادل (۱۳۹۱)، روش‌شناسی پژوهش کمی-رویکردی جامع. تهران: صفار.
- دانشگاه علم و صنعت، دانشکده مهندسی پیشرفت (۱۳۹۱)، نقشه راه پیشنهادی برای دستیابی به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت. تهران: سند منتشر نشده.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۸)، لغت‌نامه دهخدا. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

- ذوعلم، علی (۱۳۹۱)، «نقشه راه طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، مجموعه مقالات اولین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: نقشه راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۱۰۵-۹۲.

- رشاد، علی اکبر (۱۳۹۱)، «نه گام تا الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی (نقشه‌ی راه اکتشاف مبانی معرفتی ارزشی پیشرفت‌ورزی و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت)»، مجموعه مقالات اولین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: نقشه راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۴۷-۴۴.

- شورای راهبردی پیشرفت اسلامی (۱۳۹۰)، «نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی - مرحله پیدایش»، بازیابی از: www.edalat1398.blogfa.com

- شیخی، عبدالمجید (۱۳۹۱)، «درآمدی بر روش‌شناسی و ابعاد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، مجموعه مقالات اولین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: نقشه راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۵۲۱-۵۰۴.

- فاتح راد، مهدی و اکبری، شهناز و جهانی‌زاده، فاطمه و حسینی، سید فرهاد و جمالی، رضا و فلاح تفتی، سعید (۱۳۹۱)، «طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، مجموعه مقالات اولین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: نقشه راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۷۷۹-۷۶۳.

- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۹۳)، مدل فرایندی تدوین الگوی پایه. تهران: سند منتشر نشده.

- مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۱)، «طرح‌واره‌ای برای طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت»، سلسله نشستهای تخصصی طراحی نقشه راه در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: دانشگاه امام صادق.

- مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (۱۳۹۳)، پیش‌نویس الگوی پایه. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

- مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (۱۳۹۳)، چیستی و مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نقشه راه و فرآیند طراحی، تدوین، تصویب و پایش الگو. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

- میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۹۲ الف)، «دستگاه‌واره الگوی پیشرفت؛ دینی یا فلسفی؟ انسجامی یا تألیفی؟»، سخنرانی علمی در دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

- میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۹۲ب)، «روش و منبع تولید الگوی پیشرفت»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۱۳۶-۱۳۱.

- میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۹)، «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محصول اسلامی سازی علوم انسانی»، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی. تهران: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، صص ۷۴-۶۱.

- میرمعزی، سید حسین (۱۳۹۵)، «معنویت و عدالت حلقه مفقوده توسعه غربی است»، بازیابی از: www.olgou.ir

- نادری فارسانی، سیاوش (۱۳۸۹)، «بایستگی‌های روش شناختی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی. تهران: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، صص ۲۳۵-۲۲۷.

- نوبخت، محمدباقر (۱۳۸۹)، «الگوی مطلوب توسعه ایرانی اسلامی»، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی. تهران: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، صص ۲۵۱-۲۳۷.

- هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۷)، «اقتراح: نسبت دین و توسعه»، قیسات. ۷، صص ۲-۲۵.

- وکیلی، سعید (۱۳۹۱)، «مدل عملیاتی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، مجموعه مقالات اولین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: نقشه راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۱۰۲۱-۱۰۰۷.

- وکیلی، سعید (۱۳۹۱)، «مقدمات لازم برای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، مجموعه مقالات اولین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: نقشه راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۶۲۶-۶۰۳.

- وکیلی، سعید (۱۳۹۱)، «نقشه راه تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، مجموعه مقالات اولین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: نقشه راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۹۴۵-۹۳۰.

- وکیلی، سعید (۱۳۹۲)، «هندسه طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت دفاعی»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۱۱۳۶-۱۱۰۲۵.

- Bury. J. B.)1920(, The idea of progress, an Inquiry into its Origin and Growth, London: Macmillan & Co.
- Cambridge Dictionary, Retrieved from: <http://dictionary.cambridge.org>
- Cerbaro, Rodolfo Henrique & Whisler, Jamie Lyn (2016), "The Idea of Progress: A Theoretical and Concise Goal-Structure Model", Current Research in Psychology, 7 (1), pp. 12-15.
- Johnson, Greg (Translator) (2008), "A brief history of the idea of progress" (Author: Alain De Benoist), The Occidental Quarterly, 8(1), pp. 7-16.
- Motto, Anna Lydia (1984), "The Idea of Progress in Senecan Thought", The Classical Journal, 79(3), pp. 225-240.
- Oxford Dictionary, Retrieved from: <https://en.oxforddictionaries.com>
- Saunders, Mark; Lewis, Philip & Thornhill, Adrian (2009), Research Methods for Business Students (5th Ed.), Italy: Pearson Education Limited.
- Teddlie, Charles, and Yu, Fen (2007), "Mixed Methods Sampling: A Typology with Examples", Journal of Mixed Methods Research, 1(1), pp. 77-100.